

نقش حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی کشور

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۲۰)

آریا عزیزی

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، مدیریت شعب موسسه اعتباری کوثر استان کرمانشاه

چکیده

به دلیل نبود دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و هیات خدمات مالی اسلامی، حاکمیت شرکتی در ایران جایگاه خود را در بین بانک‌ها و موسسات مالی پیدا نکرده است. حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از جمله رسیدن به حداکثر سودآوری و کارآیی و حداقل فساد و سوءاستفاده از قدرت و فراهم کردن نظام پاسخگویی مدیریتی، حاکمیت شرکتی یکی از مسایل بسیار حائز اهمیت در نهادهای پولی و مالی است. حاکمیت شرکتی به مجموعه روابطی اطلاق می‌شود که میان ذینفعان یک سازمان وجود داشته و بر نحوه اداره و نظارت بر آن تاثیر می‌گذارد. در مقاله حاضر به نقش حاکمیت شرکتی در شبکه بانکی کشور پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی‌های درباره کشور ایران نشان می‌دهد اگرچه بانک در راستای اجرای حاکمیت شرکتی رهنمودهایی را در خصوص نظام کنترل داخلی و مدیریت ریسک به بانک‌ها ابلاغ کرده است، لیکن به دلیل نبود دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و هیات خدمات مالی اسلامی، حاکمیت شرکتی جایگاه خود را در بین بانک‌ها و موسسات مالی پیدا نکرده است.

۲۵

فصلنامه مطالعات نوین بانکی - دوره دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۹





بخش اول: کلیات

حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از قوانین و روش‌هاست که رابطه‌ی بین سهامداران، مدیریت و اعضای هیئت‌مدیره را تعریف می‌کند و بر چگونگی عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. حاکمیت شرکتی در سطح ابتدایی با مسائلی مواجه است که از تفکیک مالکیت و اداره‌ی شرکت ناشی می‌شود، اما این مفهوم فراتر از آن است که فقط رابطه‌ی شفاف بین مدیران و سهامداران برقرار کند. حاکمیت شرکتی، شامل مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و ذی‌نفعان دیگر است. علاوه‌بر آن، ساختاری ارائه می‌کند که از طریق آن، اهداف شرکت، ابزار دستیابی به آن، اهداف و نظارت بر عملکرد شرکت تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، اگر چه حاکمیت شرکتی ضعیف می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی شده و در نتیجه وضعیت کلی ریسک شرکت‌ها و سازمان‌ها را افزایش دهد؛ لیکن این وضعیت در خصوص بانک‌ها و موسسات مالی حادث‌تر است. به بیانی دیگر، ضعف حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و موسسات مالی توان آنها را برای شناسایی، نظارت و مدیریت ریسک‌های پیش‌رو کاهش داده و می‌تواند به اعطای تسهیلات با کیفیت پایین یا ریسک‌پذیری بیش از حد موسسات مالی بینجامد و بسته به شرایط بازارها و موسسات مالی، این ریسک‌ها می‌تواند به سطح وسیع‌تری از نظام مالی شیوع پیدا کند و به بی‌ثباتی‌های مالی و ورشکستگی‌های احتمالی بینجامد. (احمدوند، ۱۳۸۵: ۲۵)

بند اول: تعریف حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی به مجموعه‌ای از فرآیندها، اصول، سیاست‌ها و قوانین اطلاق می‌شود که بر نحوه اداره و کنترل کردن سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین، حاکمیت شرکتی دربرگیرنده روابط بین ذینفعان و اهدافی است که سازمان براساس آن اداره می‌شود. سهامداران، مدیران و هیئت‌مدیره یک سازمان، ذینفعان اصلی آن به شمار می‌آیند. سایر ذینفعان نیز عبارت‌اند از

کارکنان، مشتریان، قانونگذاران، محیط و به طور کلی جامعه. حاکمیت شرکتی مقوله‌ای چندوجهی است. یکی از مسائلی که در حاکمیت شرکتی به آن پرداخته می‌شود، پاسخگویی و امانتداری است. همچنین اجرای سیاست‌ها و سازوکارهایی برای حصول اطمینان از رفتار خوب و حمایت از سهامداران از جمله ویژگی‌های بارز حاکمیت شرکتی است. (الله داد، ۱۳۹۰: ۶۱)

بند دوم: اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها

بانکداری و بخش مالی از سایر بخش‌ها و صنایع از بسیاری جهات متفاوت بوده و همین تفاوت‌ها باعث شده است که اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مهم‌تر از سایر صنایع و بخش‌ها باشد. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

- برخلاف نهادهای تجاری معمولی که سرمایه‌شان از طریق وجوه سهامداران تامین می‌شود، فعالیت بانک‌ها شامل وجوهی می‌شود که عمدتاً از سپرده‌ها تشکیل شده و این امر باعث می‌شود مسوولیت امانتداری بیشتری متوجه بانک‌ها و مدیرانشان باشد؛ چراکه وجوه سپرده‌گذاران باید به مناسب‌ترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری تخصیص یابد.

- نبود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها می‌تواند نظام مالی را بی‌ثبات کرده و ریسک‌هایی نظام یافته بر اقتصاد تحمیل کند؛ چراکه این بانک‌ها هستند که تعیین می‌کنند کدامیک از کاربران نهایی منابع مالی را دریافت کنند و ابزارهای پرداخت مربوطه را در این زمینه فراهم می‌کنند. در واقع ریسک نظام یافته به این دلیل به وجود می‌آید که بانک‌ها معمولاً انگیزه دارند ریسک‌های مالی را در سطح پایین قیمت‌گذاری کنند (به عنوان مثال، اعطای تسهیلات پر ریسک)؛ زیرا نمی‌خواهند هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های ریسک‌دار را خود متحمل شوند. این گونه ریسک‌ها سرانجام باعث ایجاد کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به بخش بانکی (هجوم مردم) و بحران بانک خواهد شد.



- بانک‌ها باید از دید سپرده‌گذاران مسوول و معتبر باشند (به بیان دیگر، بانک‌ها باید خود را در مقابل ریسک‌های شهرت حفاظت کنند) تا بتوانند ریسک احتمالی هجوم سپرده‌گذاران به بانک برای برداشت سپرده‌هایشان را مدیریت کنند. به عبارت دیگر، با توجه به نسبت بالای بدهی به دارایی و تفاوت در سررسید بدهی‌ها (مانند اکثر سپرده‌ها) و دارایی‌هایش (مانند تسهیلات بلندمدت)، بانک‌ها نمی‌توانند هر موقع که بخواهند تسهیلات اعطایی خود را از تسهیلات گیرندگان مطالبه کنند، لیکن سپرده‌گذاران در هر زمان می‌توانند سپرده‌های خود را مطالبه کنند که این مساله باعث می‌شود نسبت به سایر بنگاه‌ها با ریسک بالاتری مواجه باشند.

- بانک‌ها به عنوان واسطه‌های مالی از طریق وام‌دهی و سرمایه‌گذاری و جوه تجهیز می‌شوند و با تامین وجوه فعالیت‌های اقتصادی سایرین فعالیت می‌کنند. با توجه به نقش کلیدی بانک‌ها در اقتصاد تمامی کشورها، لزوم حاکمیت شرکتی قدرتمند برای بانک‌ها بیش از پیش آشکار می‌شود. (حساس یگانه، ۱۳۸۴: ۵۲)

بخش دوم: اقدامات مقام‌های نظارتی در اجرای حاکمیت شرکتی در نظام

بانکی کشور

بررسی وضعیت سایر کشورها در اجرای اصول حاکمیت شرکتی گویای آن بود که این کشورها در ابتدا استانداردهای کلی را تدوین و آن را برای اجرا به شبکه بانکی خود ابلاغ و بر آن نظارت می‌کنند. در خصوص کشور ایران، با توجه به دولتی بودن بخش اعظمی از نظام بانکداری ایران و دخالت بیش از حد دولت در نظام مذکور، عناصر اصلی حاکمیت شرکتی نظیر استقلال هیات‌مدیره از مدیرعامل، استقلال حسابرسی‌های داخلی و خارجی از مدیرعامل کمیاب بوده و اصل حفاظت از حقوق تمامی ذی‌نفعان و به طور خاص سپرده‌گذاران نادیده گرفته شده است. بی‌گمان در سال‌های اخیر با توجه به واگذاری بانک‌های مضمول، افزایش شمار بانک‌های خصوصی و کاهش نقش غالب دولت بر صنعت بانکداری، روندها رو به بهبود گذاشته است.

درخصوص بهبود وضعیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، اگرچه بانک مرکزی تاکنون دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و قانون عملیات بانکداری بدون ربا تدوین نکرده، لیکن با توجه به اینکه از جمله محورهای استقرار حاکمیت شرکتی، ایجاد نظام کنترل داخلی و اجرای اصول مدیریت ریسک است. (دوانی، ۱۳۸۴: ۳۳)

بند اول: چالش‌های حقوقی و راهکارها

با توجه به چالش‌های حقوقی و اقتصادی که بحران زدگی سیستم بانکی با خود به ارمغان می‌آورد و موجب ازهم پاشیدگی و تسریع وخامت اقتصادی از جامعه‌ای به جامعه دیگر می‌گردد، ضرورت دارد که عوامل موثر و عمده ذی‌مدخل در توقف این موسسات شناسایی شده تا با کنترل آنها از طریق سیاست‌های بهینه، امکان حفاظت از حقوق ذینفعان (اعم از سپرده‌گذاران، سهامداران، اشخاص طرف قرارداد و غیره) مهیا و آرامش اقتصادی جامعه فراهم گردد. بحران مالی ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را دربرگرفت، تنها به خاطر مدیریت غلط اقتصاد کلان یا ضعف ساختارهای اقتصادی و یا شوک‌های شدید اقتصادی نبود، بلکه به عقیده بسیاری از تحلیل‌گران، عامل اصلی این بحران متأثر از ضعف حاکمیت شرکتی در میان بانک‌ها، موسسات پولی و مالی و شرکت‌ها بود. (رئیس، ۱۳۸۷: ۶۲) حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها و از جمله بانک‌ها، مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. مطالعات صورت گرفته حاکیست که با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

بند دوم: چالش‌های ساختاری و مدیریتی و راهکارها

بطور کلی اوضاع بی‌ثبات محیطی و توهمات و تصورات سپرده‌گذاران درخصوص وضعیت بحرانی بانک، بی‌ثباتی و تغییرات مداوم در نرخ بهره، عدم تطابق قوانین حاکم بر قرارداد بانکها با



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مطالعات نوین بانکی - دوره دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۸

۳۰

اشخاص طرف قرارداد (معمولاً سپرده گذاران و سهامداران) با شرایط حاکم در بازار و تجارت آزاد و مشکل معمول در کشورهای در حال توسعه درخصوص روند افزایشی نرخ تورم که بیشتر از بهره و سود دریافتی سپرده گذاران می باشد، موجب می گردد تمایلات زیادی از سوی سپرده گذاران درخصوص خروج سریع منابع خود از بانکها صورت پذیرد. از دیگر دلایل بحران بانکی می توان به عدم نظارت و ضعف مقررات، ضعف کنترلهای داخلی، ریسک عملیاتی بالا، ناتوانی در پرداخت دیون ناشی از ضعف در مدیریت نقدینگی، سرمایه گذاری ضعیف و توجیه نشده و بکارگیری معیارهای ضعیف حساسرسی و سوء مدیریت اشاره کرد. بانکها در فرآیند رقابت ممکن است ریسک اعتباری بالا را برای حفظ یا گسترش سهم بازار بپذیرند، در این صورت سرنوشت خود را با سرنوشت پروژه ها و وضعیت وام گیرنده گره زده و در صورت عدم موفقیت سرمایه گذارها، با کمبود نقدینگی و شکست مواجه می شوند. ورشکستگی به عنوان مرحله ای از چرخه فعالیت تجاری، برای هر تاجری از جمله بانکها تحت تأثیر عوامل خارجی و یا داخلی می تواند اتفاق افتد، اما افزایش میزان دارائی های سمی (تسهیلات بدو معوق) از دلایل اصلی افزایش ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک عدم تطابق سرسیدها است که بانکها را با خطر ورشکستگی و توقف روبرو می نماید. عدم وجود سیستم کنترل ریسک جهت تشخیص به هنگام مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی، کمبود سود و افزایش مطالبات از دلایل اصلی شکست بانکها ارزیابی شده اند. (رهبری خرازی، ۱۳۸۵: ۴۶)

بخش سوم: تأثیر حاکمیت شرکتی بر تحقق اهداف اقتصادی - اجتماعی

بین حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک ارتباط نزدیکی وجود دارد با تدوین استانداردهای مناسب و قوی برای حاکمیت شرکتی می توان فرایند مدیریت ریسک را بهبود و با یکپارچه کردن مدیریت ریسک و سیستم های داخلی می توان به تدوین استانداردهای قوی حاکمیت شرکتی

اطمینان بخشید. ترکیب هیات مدیره بر سیاست ها و اهداف مدیریت ریسک تأثیرگذار است. هرچه تعداد مدیران غیر موظف هیات مدیره بیشتر باشد امکان تعداد فعالیت های مقابله علیه ریسک شرکت بیشتر خواهد بود. برای تحقق مدیریت اثربخش ریسک، باید پنج مرحله به نحو مطلوب به اجرا درآید: ۱- تشخیص منابع ریسک، ۲- اندازه گیری میزان ریسک، ۳- ارزیابی میزان تأثیر ریسک مربوطه بر شرکت، ۴- ارزیابی توانایی شرکت در استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک ۵- انتخاب ابزارهای مناسب مدیریت ریسک.

ارتقای سطح سیستم های کنترل داخلی شرکتها از جمله بانکها و سایر موسسات واسطه گر مالی از طریق استفاده از ابزارهای حاکمیت شرکتی متناسب با آخرین دستاوردهای ارائه شده از سوی محافل تخصصی، می تواند نقش تعیین کننده ای در عملکرد مدیران، امکان نظارت بهینه سهامداران و سایر ذینفعان داشته و در مجموع شرایط مساعدتری را برای شرکتهای اقتصادی جهت ادامه فعالیت و جلوگیری از بحران فراهم نماید. زیرا همانگونه که در ادبیات مربوط به اهداف حاکمیت شرکتی از سوی صاحب نظران عنوان می شود. گردیده، هدف حاکمیت شرکتی خوب؛ دستیابی به پایداری، مسئولیت پذیری، پاسخگوئی، عدالت، شفافیت و اثربخشی در تمام قسمت های یک شرکت یا سازمان می باشد (شجاییان، ۱۳۸۸: ۷۱) براساس معیارهای مبتنی بر حاکمیت شرکتی مناسب بانکها و سایر موسسات واسطه گر مالی میبایست به دنبال ساختار سازمانی مناسبی بوده تا تضمین گردد که اگر ضوابط و مقررات در این ساختار رعایت گردد میتوان ریسک را به حداقل رساند. در نظام حاکمیت شرکتی مناسب تأکید ویژه ای در استقرار نظام حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی و کمیته تطبیق شده و رابطه بین مدیران و حسابرسان مستقل از طریق کمیته حسابرسی شکل می گیرد. با استقرار نظام حاکمیت شرکتی و از طریق تشکیل کمیته های تخصصی حسابرسی و کمیته عالی ریسک زیر نظر اعضای غیر موظف هیات مدیره و عملکرد این کمیته ها، کنترلهای داخلی در سطح سازمان تا حدود قابل توجهی ارتقا می یابد.

بند اول: استقرار حاکمیت شرکتی در بانکداری دولتی و غیر دولتی

اهداف اصلی در نظام موثر کنترل‌های داخلی در موسسات اعتباری و سایر موسسات واسطه گر مالی شامل مواردی نظیر دستیابی به اهداف موسسه اعتباری، حصول اطمینان از اثربخشی و کارآئی عملیات، مدیریت کارآمد ریسک‌های محیطی، حصول اطمینان از عملکرد مناسب نظام گزارش‌گری مالی و مدیریت و ارتقای شفافیت آن، حصول اطمینان از پایبند بودن تمام واحدها و کارکنان موسسه به رعایت قوانین و مقررات مربوطه، استراتژی‌ها و برنامه و ضوابط داخلی و در نهایت محافظت از منابع و دارائی‌های موسسه در برابر هرگونه سوء استفاده و خسارت و زیان و اختلاس می باشد. در صورت استقرار صحیح سیستم و نظام کنترل‌های داخلی موارد ذیل در بانکها و سایر موسسات واسطه گر مالی محقق می گردد:

بهبود نظارت و پاسخگویی مناسب مدیریت و کمک به گسترش فرهنگ نظارت و کنترل

کمک به فرآیند تصمیم‌گیری و اداره موثر موسسه

بهبود مدیریت ریسک‌های موجود در فعالیتهای موسسه

رعایت فرآیند اخذ مجوزها و مصوبات، رفع مغایرت‌ها و بازیابی عملکرد عملیاتی

بهبود اقدامات کنترلی جهت پیشگیری، شناسایی و اصلاح به موقع نارسائی‌ها از جمله

اشتباهات، تخلفات و سوء استفاده‌ها.

کنترل ریسک‌های موجود در محیط بانکی نظیر ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک

عملیاتی در مواردی نظیر وقفه‌های عملیاتی، بروز جرائم و ریسک محصولات و عملکرد کاری

پرسنل، کنترل ریسک بازار، ریسک قانونی و

کنترل‌های داخلی در واقع روشی است که ریسک را مدیریت می کند و در عمل پاسخی به

ریسک‌های موجود در محیط موسسه می باشد. (صفای، ۱۳۸۷: ۳۹)

بند دوم: بحران بانکی و حاکمیت شرکتي

بحران بانکی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که تعداد زیادی از بانکها در یک کشور قادر به بازپرداخت دیون و بدهیهای خود نباشند. ذات حرفه بانکداری به علت ویژگیهای خاص خود همواره مستعد دریافت بی ثباتی ها و ریسکها و در درجه بالاتر انواع بحران ها می باشد. درجه اهرمی بالا و کم بودن سرمایه بانکها در تناسب با حجم ترازنامه های آنها در مقایسه با سایر شرکتهای تجاری، عدم تناسب زمانی سررسید بین دارایی ها و بدهیها، لزوم حفظ اعتماد دائمی سپرده گذاران، ابتلا به ریسکهای متنوع و نبود شفافیت قطعی در صورتهای مالی بدلیل سرعت بالای تغییر در ارقام ترازنامه ای در مقایسه با سایر شرکتهای تجاری از مواردی است که بانکها را به عنوان یکی از مراجع بحران ها در اقتصاد معرفی نموده است. (روشندل، ۱۳۸۶: ۱۶) ایجاد بحران موجب سلب اعتماد عمومی و هجوم سپرده گذاران به بانکها برای بازپس گرفتن سپرده های خود میگردد. این موضوع می تواند ورشکستگی های سریع برای بانکها را به همراه داشته باشد. افزایش شدید اعتبارات و عدم تطابق سررسید دارایی ها و بدهیهای عملیاتی، سرمایه گذاریهای نامناسب و عدم نظارت و ضعف مقررات، ضعف کنترلهای داخلی، ریسک عملیاتی بالا، ضعف در مدیریت نقدینگی، سرمایه گذاریهای ضعیف و توجیه نشده، به کارگیری ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت از جمله عوامل موثر در ایجاد بحران می باشند. بحران بانکی موجب از بین رفتن اعتماد به نهادهای مالی، هجوم بانکی و ورشکستگی ایشان و در نتیجه پایمال شدن حقوق کلیه ذینفعان این موسسات نظیر سهامداران، سپرده گذاران، اشخاص طرف قرارداد و حتی جامعه و دولت می گردد. (یزدانی، ۱۳۸۷: ۹۵)

بخش چهارم: نقش مکانیزمهای حاکمیت شرکتي در سلامت نظام بانکی

حاکمیت شرکتي در شرکت ها و از جمله بانکها یکی از مهمترین ابزارهای جلوگیری از فساد محسوب می شود. در صورت برقراری و اعمال مکانیزم های حاکمیت شرکتي نظیر ایجاد کمیته های حسابرسی، کمیته ریسک، کمیته تطبیق و پاداش و دستمزد و استفاده از خدمات حسابرسان



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

صفحات مطالعات نوزد بانکی - دوره دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۸

۳۴

داخلی و مستقل و همچنین حضور اعضای غیر موظف در هیات مدیره می توان سطح سیستم کنترلهای داخلی موسسات مالی از جمله بانکها را ارتقاء بخشید. اهداف حاکمیت شرکتی که مواردی نظیر شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت پذیری و انصاف در رعایت حقوق همه ذینفعان می باشد از طریق اجرایی و نهادینه شدن مکانیزم های حاکمیت شرکتی در بانکها محقق می گردد. مکانیسم های حاکمیت شرکتی منجر به گزارشگری صحیح و شفاف رویدادهای مالی، دسترسی سهامداران جزء به اطلاعات و نظارت بر عملکرد مدیریت اجرایی بانکها خواهد شد. پاسخگویی که یکی از اهداف کلیدی در حاکمیت شرکتی محسوب می گردد موجبات مسئولیت پذیری و پاسخگویی مدیران شرکت در قبال عملکرد خود به سهامداران، مشتریان، کارکنان، دولت و ناظران خارجی شده و نقش قابل توجهی در کارآمدی و سلامت نظام بانکی ایفا خواهد نمود. (قنبری، ۱۳۸۶: ۲۲) در حاکمیت شرکتی تاکید ویژه ای بر استقرار نظام حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی شده و رابطه بین مدیران و حسابرسان مستقل از طریق کمیته حسابرسی شکل می گیرد. پیاده سازی مکانیسم های حاکمیت شرکتی می تواند عزم جدی برای شفاف سازی و مبارزه با فساد را در نظام بانکی با خود به همراه آورد. حمایت از حقوق سهامداران اقلیت، تاکید بر نقش هیات مدیره مستقل از طریق استفاده از اعضای غیر موظف، جلوگیری و مبارزه با فساد، تضمین رعایت اخلاق، حذف یا کنترل افشای کامل معاملات درون بنگاهی و یا با اشخاص وابسته و مرتبط و در چارچوب قرارداد آن، اطلاع رسانی مرتبط و به موقع به کلیه ذی نفعان از نتایج اعمال مکانیسم های حاکمیت شرکتی و زمینه ساز برقراری سلامت در نظام بانکی محسوب می شوند. حاکمیت شرکتی، ابزاری جدید و کارآمد برای مدیریت بانکها ست و پیاده شدن دقیق و فراگیر اصول آن در شبکه بانکی بهبود عملکرد و سلامت سیستم بانکی را تضمین خواهد نمود. تقویت واحد حسابرسی داخلی و تعیین وظایف و نظارت بر عملکرد واحدموصوف از سوی کمیته تخصصی حسابرسی با حضور حسابرسان خبره خارج از مجموعه و با ریاست عضو غیر موظف هیات

مدیره ، پتانسیل واحد موصوف رادر کشف تقلبات ، اشتباهات ، تخلفات و بهبود کنترل ریسک فعالیت های بانک افزایش داده ، مضافاً اینکه زمینه ها و قابلیت اتکا و درستی اطلاعات مالی و کارآیی و اثر بخشی عملیات ، محافظت از دارائیهای شرکت و رعایت قوانین و مقررات را به نحو مطلوب تری فراهم می نماید. (مسعودی، ۱۳۸۷: ۶۵) یک برنامه حاکمیت شرکتی موثر ، یک نوع ابزار قوی ضد فساد و رشوه گیری در شرکتها و موسسات مالی محسوب می گردد. مبارزه با فساد می تواند موجبات تقویت شهرت و اطمینان بخشی به سرمایه گذاران و سپرده گذاران و اشخاص طرف قرارداد و ناظرین خارج از شرکت را فراهم آورد.

نتیجه گیری

ذات حرفه بانکداری و واسطه گری مالی به علت ویژگیهای منحصر به فرد خود همواره مستعد دریافت انواع بیثباتیها و بحرانها میباشد. درجه اهرمی بالا و کم بودن سرمایه بانک در مقایسه با حجم دارائیهها، عدم تناسب بین سررسید دارائیهها و بدهیهای عملیاتی، نوسانات نرخ بهره در بازار، ابتلا به ریسکهای متنوع و نبود شفافیت قطعی در صورتهای مالی بدلیل سرعت بالای تغییر در ارقام ترازنامه‌های، بروز سوء استفادههای مالی، افزایش و رشد اعتبارات و وامدهی بیقاعده و توسعه سریع اعتبارات در مدت کوتاه، افزایش ریسک نقدینگی و افزایش مطالبات معوق، عدم نظارت کافی از سوی ناظران و ضعف ضوابط و مقررات و یا نادیده گرفته شدن آنها، ضعف سیستم کنترلهای داخلی، ریسک عملیاتی بالا، سرمایه گذاریهای ضعیف و توجه نشده، به کارگیری معیارهای ضعیف حسابرسی و سوء مدیریت، خدشه دار شدن اعتماد عمومی سپرده گذاران نسبت به عملکرد بانکها، سرمایه پائین بانکها و نسبت کفایت سرمایه پائین، پرداخت وامهای ناموفق و بلوکه شدن منابع و عدم ارزیابی صحیح وثایق تسهیلات و ... از جمله عوامل مؤثر در بروز بحران مالی و ورشکستگی بانکها براساس مطالعات موصوف بوده اند. حاکمیت شرکتی با استفاده از



مکانیزمهایی نظیر اعضای غیر موظف در هیات مدیره، استفاده از کمیته های تخصصی ریسک، کمیته حسابرسی، کمیته تطبیق عملیات جاری با قوانین، ضوابط و مقررات، استفاده از حسابرسان داخلی و مستقل، فراهم آوردن امکان نظارت سهامداران اقلیت، کنترل معاملات اشخاص مرتبط، رعایت این نامه رفتار حرفه ای کارکنان و مدیران و گسترش اخلاق سازمانی موجب ارتقای سطح اثر بخشی و کارایی سیستم کنترل های داخلی شده است.

پیشنهادها

۱- استفاده از اعضای غیر موظف هیأت مدیره موجب بالا بردن سطح استقلال و همچنین ارتقای نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی بانک میگردد. حضور اعضای غیر موظف در هیأت مدیره و کمیته های تخصصی آن و شرکت فعال ایشان در تصمیم گیری های بانک به شرط آنکه از اطلاعات لازم در خصوص حقوق، اقتصاد، حسابداری و مدیریت و بانکداری برخوردار باشند موجب افزایش غنا و همچنین وزن علمی و تجربی هیأت مدیره هر بانک میگردد.

۲- با توجه به نقش سهامداران نهادی در بهبود عملکرد شرکتها و بانکها بدلیل دانش و تخصص و تجربه مدیران اینگونه از سهامداران، پیشنهاد میگردد.

۳- با توجه به تفاوت های مشهود بخش دولتی و خصوصی در نوع دیدگاه نسبت به بررسی عملکرد شرکتها و بانکها که نشأت گرفته از تفاوت در شرح وظایف، مسئولیتها و کارکردها و انتظارات حاکم و به خصوص در هر بخش میباشد، پیشنهاد میگردد تا در جهت بهبود عملکرد بانکها، درصد سهامداری دولتی در بانکهای خصوصی شده کاهش یافته تا بانکها با سهامداران بخش خصوصی و با اهداف افزایش حقوق سهامداران و دیدگاههای هزینه - فایده های هدایت و راهبری گردند.

۴- واحدی در ساختار سازمانی بانکها با عنوان نهاد یا مرکز حاکمیت شرکتی و زیر نظر یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره تشکیل گردد. واحد موصوف می بایست هدایت و نظارت بر عملکرد کمیته های حسابرسی، کمیته تطبیق، کمیته ریسک و کمیته پاداش و دستمزد را به عهده گرفته و گزارشات دوره ای و منظم از عملکرد کمیته های موصوف را در فواصل زمانی تعیین شده به هیات مدیره بانک جهت آگاهی ایشان ارسال نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۳۶

فصلنامه مطالعات نوین بانکی - دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶



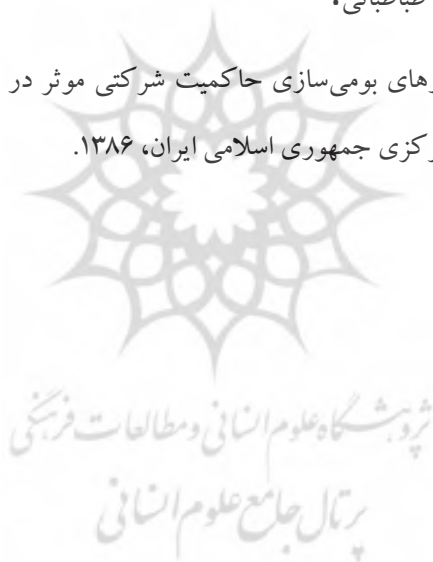
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
National Library and Archives of Iran



منابع و مآخذ

- ۱- احمدوند، ژیلا. ۱۳۸۵. بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- ۲- الله داد، مرتضی (تدوین کننده)، ۱۳۹۰. مجموعه مقالات بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی. تهران: موسسه عالی بانکداری ایران.
- ۳- حساس یگانه، یحیی. "مفاهیم حاکمیت شرکتی: حسابدار." سال نوزدهم، شماره ۱۶۷، دی ۱۳۸۴.
- ۴- دوانی، غلامحسین. "حاکمیت شرکتی: حسابدار." سال نوزدهم، شماره ۱۶۴، مهر ۱۳۸۴.
- ۵- رئیس، زهره. ۱۳۸۷. رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۶- رهبری خرازی، مهسا (مترجم)، ۱۳۸۵. اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه. تهران: شرکت اطلاع رسانی بورس.
- ۷- شجاعیان، مهرداد. ۱۳۸۸. حاکمیت شرکتی و عملکرد بانکها و بیمه خصوصی. پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی بانکداری ایران.
- ۸- شهریاری، مهدی. ۱۳۸۶. اثر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- ۹- صفائی، ناهید. ۱۳۸۷. اثر نظام راهبری شرکت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.

- ۱۰- قنبری، فرحناز. ۱۳۸۶. بررسی تاثیر مکانیزم های حاکمیت بر عملکرد شرکتهای سهامی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- ۱۱- مسعودی، علیرضا. ۱۳۸۷. حقوق بانکی. تهران: انتشارات پیشبرد.
- ۱۲- یزدانی، حسن. ۱۳۸۷. رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی بانکداری ایران.
- ۱۳- یزدانی، نرگس. ۱۳۸۵. تاثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۴- روشندل، محمد: راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران. گروه مجوزهای بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی